



وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشکده معماری و شهرسازی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

معماری داخلی

## انجمن حکمت و فلسفه همدان

استاد راهنما

دکتر نادیه ایمانی

استاد مشاور

مهندس عادل فرهنگی

پژوهش و نگارش

محمد امین کرباسی

بهمن ۱۳۸۸

صفحه تصویب

## تقدیر نامه

اینک سزاوار است که این رساله را با سپاس گزاری از بزرگوارانی که در طی این دوره تحقیقی از محضرشان بهره گرفته ام، آغاز نمایم. این رساله نمی توانست به انجام رسد، مگر با حمایت های علمی و معنوی استاد راهنمای گرامی ام، سرکار خانم دکتر نادیه ایمانی و استاد مشاور جناب آقای مهندس فرهنگی که علم و تجربه ایشان در کنار صبر و مهرشان، پشتیبان اینجانب بود. نیز بر خود واجب می دانم از فداکاری ها و دلگرمی های همسر و والدین گرامی ام قدردانی نمایم.

بهمن ماه ۱۳۸۸

محمد امین کرباسی

## چکیده

نسبت معماری و اسلام را از زوایای مختلف و در عرصه های گوناگون می توان بررسی کرد. در رساله ی حاضر امکان «بازیابی» این هنر مقدس تحت عنوان معماری «معاصر» اسلامی - در سه حوزه ی فلسفه، تاریخ و معماری - مورد کنکاش قرار گرفته تا در راستای طراحی بنای «انجمن حکمت و فلسفه همدان» در قالب «مجموعه یادمانی عین القضاة همدانی» تمرینی برای به منصفی ظهور در آمدن این نرم افزار در قالب کالبد معماری فراهم آید.

در بدو امر باید مبانی نظری و نرم افزار فکری معماری اصیل اسلامی (حکمت هنر اسلامی) مطالعه شود تا بتوان در مورد قابلیت تعمیم آن به عصر حاضر نیز، اظهار نظر نمود. پس از تحلیل این نرم افزار و اثبات لامکانی و لازمانی آن به دلیل نشاءت گرفتن از وجود لایزال الهی، نتیجتاً هنر الهی نیز به عنوان آیینی تجلی جمال الهی مورد تاکید قرار می گیرد این امر فصل نخست را به خود اختصاص داده است.

در فصل دوم پس از تفهیم ضرورت تحقق معماری «معاصر» اسلامی و اثبات امکان «ظهور» آن در نظر و «حضور» آن در عمل، نوبت به شناخت «مکان» و بالخصوص «مکان مقدس» از منظر حکمت اسلامی فرا می رسد. در این راستا آراء «عین القضاة همدانی» نیز در مورد «مکان» مطالعه می گردد؛ تا نتیجتاً نرم افزار فکری و مبانی نظری جهت طراحی فراهم آید.

در فصل سوم با فیلسوف و عارف شهیر «عین القضاة همدانی» در چارچوب بررسی زندگی نامه، آثار و عقاید این یگانه ی دوران آشنا می شویم. سپس ضمن بهره مندی از مبانی فکری منتج شده از فصول قبل و لحاظ کردن جایگاه معنوی رفیع «عین القضاة همدانی»، در فصل چهارم به تلاش جهت طراحی کالبدی و معماری داخلی بنای «انجمن حکمت و فلسفه همدان» در قالب «مجموعه یادمانی عین القضاة همدانی» می پردازیم. در این عرصه اهتمام بر این است تا طراحی معماری و معماری داخلی بنا بر اساس «اصول» بدست آمده از فهم روح منبعث از معماری اصیل اسلامی و ادراکات صورت گرفته از مبانی آفرینش مکان، اما با توجه به «مقتضیات روز» صورت پذیرد. لذا متجلی ساختن این اصول در ساحت عمل هدف غایی این رساله در حد وسع می باشد.

## فهرست مطالب

### فصل اول

۱.۴.....	بررسی امکان ظهور و نحوه ی حضور معماری معاصر اسلامی.....
۱.۴.....	آغاز.....
۱.۵.....	بخش ۱: حکمت اسلامی خواستگاه معماری معاصر اسلامی.....
۱.۵.....	گفتار ۱: حکمت یعنی.....
۱.۶.....	نسبت حکمت و معماری اسلامی.....
۱.۷.....	گفتار ۲: ضرورت تحقق معماری معاصر اسلامی.....
۱.۷.....	تأثیر سکولاریسم بر احساس و تخیل مسلمانان.....
۱.۸.....	گفتار ۳: تأثیر سکولاریسم بر معماری مسلمانان.....
۱.۹.....	بخش ۲: بررسی امکان حضور معماری معاصر اسلامی.....
۱.۹.....	گفتار ۱: نظرات منبعث از شرق شناسی در مورد معماری اسلامی.....
۱.۹.....	طرح مقوله ی معماری اسلامی در کتب تاریخ هنر.....
۲.۰.....	تلقی های مختلف شرق شناسان از معماری اسلامی.....
۲.۱.....	منشأ تلقیات مختلف شرق شناسان از مقوله ی نسبت معماری و اسلام.....
۲.۲.....	گفتار ۲: نظرات منبعث از آراء اندیشمندان مسلمان.....
۲.۲.....	بحران در معماری معاصر اسلامی.....
۲.۳.....	اقتضای پرداختن به سنت برای خروج از بحران معماری معاصر اسلامی.....
۲.۵.....	اقتضای ابداع سبک اسلامی نو برای خروج از بحران معماری معاصر اسلام.....
۲.۶.....	بخش ۳: بررسی نحوه ی حضور معماری معاصر اسلامی.....
۲.۷.....	گفتار ۱: هندسه ی مقدس ، کالبد معماری اصیل اسلامی.....
۲.۷.....	هندسه چیست؟.....
۲.۸.....	نحوه ی استنتاج از هندسه ی مقدس در معماری اصیل اسلام.....
۳.۰.....	رویکرد معماری کاربرد هندسه ی مقدس در معماری اصیل اسلامی.....
۳.۰.....	گفتار ۲: خصوصیات کالبد معماری معاصر اسلامی.....
۳.۰.....	نسبت معماری معاصر اسلامی و فرآیند آوانگاریسم.....
۳.۲.....	هندسه ی نوین کالبد معماری معاصر اسلامی.....
۳.۳.....	انجام.....

## فصل دوم

۳.۵	مکان مقدس (آرامگاه ها) و معماری نمادین.....
۳.۵	بخش ۱: مکان مقدس و مفهوم زیارت.....
۳.۸	بخش ۲: یادمانها و معماری مقابر در گستره ی زمان.....
۴.۱	بخش ۳: بیان تمثیلی و رمزپردازانه در معماری نمادین.....
۴.۵	بخش ۴: تحلیل و بررسی نمونه های مشابه.....
۴.۵	آرامگاه بوعلی سینا (همدان).....
۴.۹	حرم مطهر امام رضا علیه السلام (مشهد).....
۵.۳	باغ - مزار تاج محل (آگرا هندوستان) .....
۵.۶	انجام.....

## فصل سوم

۵.۷	عین القضاة، نور چشم همدان در همه ی دوران.....
۵.۷	بخش ۱: عین القضاة، چرا و چگونه؟.....
۸.۵	گفتار ۱: زندگی و شهادت عین القضاة همدانی.....
۶.۲	بخش ۲: آثار و کتاب های عین القضاة.....
۶.۵	بخش ۳: آرا و نظرات عین القضاة.....
۶.۸	گفتار ۱: مقولات زمان و مکان در آراء عین القضاة.....
۷.۴	انجام.....

## فصل چهارم

۷.۶	«بیت قاضی» معرفی طرح معماری و معماری داخلی.....
۷.۶	بخش ۱: بستر طرح در شهر همدان، تحلیل سایت و وضعیت اقلیمی.....
۷.۶	ویژگیهای جغرافیایی شهر همدان.....
۷.۶	گفتار ۱: موقعیت جغرافیایی.....
۷.۷	تقسیمات کشوری استان همدان.....
۷.۷	گفتار ۲: جغرافیای تاریخی شهر همدان.....
۷.۸	گفتار ۳: بافت شهر همدان.....
۸.۰	معرفی محیط فیزیکی پروژه (تحلیل سایت) .....
	بخش ۲:
۸.۶	گفتار ۱: اهم موارد روند طراحی (ساختار طراحی) .....
۸.۷	گفتار ۲: تبیین ساختار طراحی.....
۹.۲	گفتار ۳: جداول برنامه ی فیزیکی طرح.....
۹.۳	بخش ۳: ساختار فنی.....
۹.۳	سیستم سازه ای.....
۳.۹	سیستم آبرسانی.....

۹۴.....	تأسیسات برقی و مکانیکی.....
۹۵.....	استانداردها و ضوابط طراحی.....
۹۸.....	ضوابط و معیارهای فضای ورودی برای معلولین.....
۹۹.....	ضوابط و معیارهای سطح شیبدار.....
۱:.....	محافظةت از ساختمان در برابر حریق.....
	انجام
۱:۱.....	(عکس ها و نقشه ها).....
۱:۲.....	ارجاعات.....



## فهرست تصاویر

۳۹	تصویر ۱-۲ نقش رستم
۴۴	تصویر ۲-۲ تای چی تو
۴۴	تصویر ۳-۲ کاربندی
۴۵	تصویر ۴-۲ آرامگاه بوعلی
۴۵	تصویر ۵-۲ پیکره بوعلی، کار استاد صدیقی
۴۶	تصویر ۶-۲ «رواق های ورودی»
۴۸	تصویر ۷-۲ پلان مقبره بوعلی
۴۸	تصویر ۸-۲ سنگ مزار بوعلی
۴۹	تصویر ۹-۲ گنبد و گلدسته های حرم
۵۱	تصویر ۱۰-۲ نقشه آستان قدس ضوی
۵۲	تصویر ۱۱-۲ ضریح جدید
۵۲	تصویر ۱۲-۲ ضریح جدید
۵۴	تصویر ۱۳-۲ نمای عمومی تاج محل
۵۵	تصویر ۱۴-۲ تحلیل و تناسبات تاج محل
۷۶	تصویر ۱-۴ استان همدان
۷۹	تصویر ۲-۴ نقشه شهر همدان
۸۰	تصویر ۳-۴ موقعیت سایت در شهر
۸۱	تصویر ۴-۴ طرح تفصیلی سایت و بافتهای همجوار
۸۱	تصویر ۵-۴ نورگیری سایت
۸۱	تصویر ۶-۴ شیب سایت
۸۲	تصویر ۷-۴ دسترسی های سایت
۸۲	تصویر ۸-۴ جهت جغرافیایی و قبله در سایت
۸۲	تصویر ۹-۴ جهت وزش بادهای در استان
۸۳	تصویر ۹-۴ بافت بازار میوه در جوار سایت
۸۳	تصویر ۱۰-۴ دید به سمت آرامگاه باباطاهر
۸۳	تصویر ۱۱-۴ دید به شمال شرق سایت
۸۳	تصویر ۱۲-۴ بازار میوه و پمپ بنزین
۸۳	تصویر ۱۳-۴ جداره شرقی سایت
۸۳	تصویر ۱۴-۴ گورستان قدیمی در جوار سایت
۸۴	تصویر ۱۵-۴ جداره شمال شرقی سایت

- تصویر ۴-۱۶ باغ حکمتی..... ۸۴
- تصویر ۴-۱۷ جداره جنوبی سایت..... ۸۴
- تصویر ۴-۱۸ کوچه باغ در جداره سایت..... ۸۴
- تصویر ۴-۱۹ رودخانه همجوار سایت..... ۸۴
- تصویر ۴-۲۰ نمای عمومی گورستان قدیمی..... ۸۴
- تصویر ۴-۲۱ جداره شمال غربی سایت..... ۸۵
- تصویر ۴-۲۲ داخل باغ حکمتی..... ۸۵
- تصویر ۴-۲۳ دید از بالای باغ حکمتی و جداره غربی سایت..... ۸۵

## فصل مقدماتی

### بیان مسأله:

این پایان نامه، طراحی مکانی است برای شناخت فلسفه و حکمت اسلامی با معرفی عین القضاء همدانی، بر اساس مبانی بر گرفته از نرم افزار فکری حکمت اسلامی مشتمل بر فلسفه و هنر.

در طراحی « انجمن حکمت هنر و فلسفه اسلامی همدان » تلاش بر این است که ضمن مطالعه و شناخت معماری گذشته ایران اصولی که می تواند در طراحی معاصر راهنما باشد بررسی شود. به نظر می رسد این امر از یک سو در سایه شناخت حکمت اسلامی و استنباط از آن و سپس تجلی در قالب هندسه و کالبد معماری می تواند میسر گردد و از سوی دیگر با مطالعه نمونه های مشابهی که معماران معاصر در این زمینه انجام داده اند. لذا نتیجتاً این طرح تلاشی است بر امکان یافتن راهکارهای طراحی با شناخت معماری گذشته ی ایران.

### پیشینه طرح:

از آنجا که این مجموعه با دو نیت ایجاد می شود ناگزیر در دو مسیر پیشینه قابل رجوع دارد. اول بناهایی که معماران آن سعی کرده اند با تکیه بر مفاهیم و اصول حکمت اسلامی طراحی کنند که در قالب کالبد قابل جستجوست و دوم بناهایی که صرفاً به صورت نمادین مدعی معرفی بزرگان و مشاهیر هستند. این تلاش ها هم در گذشته و هم در حال حاضر دیده می شود. به طور مثال: حرم امام رضا (ع) و آرامگاه ابن سینا

### اهداف کلی و تفصیلی:

هدف اصلی طراحی مجموعه ای است که امکان بررسی هنر و معماری اصیل اسلامی و بیان آن به زبان روز و همچنین تبیین ساختار حکمی معماری اسلامی و تأکید بر پایه های فلسفی آن میسر شود. به این دلیل می تواند یادمان « عین القضاة همدانی » که خود از فلاسفه و عرفای شهیر بوده نیز باشد.

لازم به ذکر است در خلال این امر، دیدگاه های رایج در برخورد با معماری اصیل و معاصر اسلامی، که یکی بررسی از منظر امروز به گذشته است که منجر به تاریخگیری

می شود و دیگری بررسی از منظر گذشته به امروز است که منجر به پست مدرنیستی التقاطی می گردد، نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ سپس راهکار این طرح که همانا بررسی گذشته از منظر گذشته است و مستغرق شدن در شرایط آن زمان و درک صحیح مبانی نظری و سپس طراحی با توجه به مقتضیات روز می باشد، بیان خواهد شد.

## فرضیه و سوالات کلیدی طرح:

ضرورت بازخوانی معماری اصیل اسلامی و بیان آن به زبان روز چقدر است؟  
چگونه حکمت اسلامی هنوز می تواند مبانی نظری معماری معاصر اسلامی باشد؟  
فلسفه ی اسلامی چه نسبتی با معماری اسلامی دارد؟  
معماری معاصر اسلامی تحت چه شرایطی امکان ظهور و حضور را داراست؟  
تجلی حکمت اسلامی در قالب معماری اسلامی چگونه صورت می پذیرد؟  
پیش شرط های لازم جهت طراحی معماری به شیوه اسلامی چیست؟

## روش تحقیق:

روش تحقیق بصورت تحلیلی می باشد ؛ که شامل مطالعه ی موارد بناهای ساخته شده ی گذشته و معاصر در زمینه ی ابنیه یادمانی است ، سپس استنباط از آن ها و ارائه تئوری و طرح در قالب معماری معاصر اسلامی با دیدگاهی حکمی.  
در تحلیل این نمونه ها، فاکتورهای موثر در طراحی معماری مشخص شده و مورد طبقه بندی موضوعی قرار گرفته و در طراحی مجموعه لحاظ می شوند. از جمله این ابنیه می توان به حرم امام رضا (ع) ، آرامگاه ابن سینا و تاج محل اشاره کرد.

## محدوده تحقیق :

مقوله اسلام و معماری را از جنبه های مختلف می توان بررسی کرد . برای مثال در کتب تاریخ هنر تحلیل های متفاوتی از این مقوله انجام شده است نظیر : معماری مسلمانان ، معماری پس از اسلام، معماری کشورهای اسلامی ، معماری محمدی و... و با توجه به نکات ذکر شده در پیشینه تحقیق، تحقیق حاضر به موضوع « معماری معاصر اسلامی » می پردازد که تنها یک بعد از ابعاد وسیع مقوله معماری و اسلام است . محدوده موضوع

نیز شامل بررسی امکان وجود ، جانمایی تاریخی و خصایص کالبدی معماری معاصر اسلامی است.

## فصل اول

### بررسی امکان ظهور و نحوه ی حضور معماری معاصر اسلامی

#### آغاز

نسبت معماری و اسلام را از زوایای مختلف و در عرصه های گوناگون می توان بررسی کرد. در فصل حاضر امکان «بازیابی» این هنر مقدس تحت عنوان معماری «معاصر» اسلامی - در سه حوزه ی فلسفه، تاریخ و معماری - مورد کنکاش قرار می گیرد. در بدو امر باید مبانی نظری و نرم افزار فکری معماری اصیل اسلامی (حکمت هنر اسلامی) مطالعه شود تا بتوان در مورد قابلیت تعمیم آن به عصر حاضر نیز، اظهار نظر نمود. پس از تحلیل این نرم افزار و اثبات لامکانی و لازمانی آن به دلیل نشاءت گرفتن از وجود لایزال الهی، نتیجتاً هنر الهی نیز به عنوان آیینی ی تجلی جمال الهی مورد تاکید قرار می گیرد این امر گفتار نخست را به خود اختصاص داده است.

پس از تفهیم ضرورت تحقق معماری «معاصر» اسلامی و اثبات امکان «ظهور» آن در نظر نوبت به «تثبیت» جایگاه و به نحوی اعلان موجودیت این مقوله در قالب سبکی مستقل و غنی در عرصه ی کتب تاریخ هنر، در گفتار دوم فرا می رسد. ضرورت تبیین این امر به حدی است که می توان گفت امکان «حیات» معماری معاصر اسلامی منوط به آن می باشد. لذا در ابتدا نظرات شرق شناسان غربی در نسبت معماری و اسلام از دوره ی معماری اصیل اسلامی تحلیل و دیدگاه این نویسندگان کتب تاریخ هنر نسبت به این مقوله روشن می شود؛ تا پس از اظهار نظر در مورد صحت و سقم آنها توسط فلاسفه و صاحب نظران مسلمان، بستری مناسب جهت شکل گیری این مهم فراهم آید.

در ادامه ی روند بازیابی معماری معاصر اسلامی، گفتار سوم مقاله به امکان شکل گیری آن در «عمل» اختصاص دارد. برای پرداختن به وجه کالبدی این مقوله وارد حوزه ی معماری شده و طبق روال کلی رساله ابتدا کالبد معماری اصیل اسلامی بررسی می شود. این امر توسط تحلیل هندسه ی این معماری صورت می گیرد. در ادامه نظارت معماران در مورد هندسه ی معماری معاصر اسلامی طرح می گردد؛ لذا هندسه ی نوین برای هماهنگی با نیاز های روز و تعامل با آوانگاردیسم پیشنهاد می شود.

## بخش ۱: حکمت اسلامی خاستگاه معماری معاصر اسلامی

### گفتار ۱: حکمت یعنی...

شناخت و دریافت زیبایی های سرشار و پیچیدگی گیج کننده ی معماری اسلامی، جز با حکمت حکیمان میسر نیست. ترکیب «حکمت هنر اسلامی» ترکیب بدیعی از واژگان معرفت ساز است که نخستین بار «ابراهیم تیتوس» (بورکهارت) آن را وارد مباحث نظری معماری اسلامی کرد و از آن پس به صورت میراث دل مشغولی های صاحب نظران در قلمرو تفکر اسلامی درآمد تا بر غنای آن افزوده شود.

حکمت در لغت به معنای نوعی محکم کاری است که در آن رخنه ای راه ندارد و در معلومات عقلی که ابدأً قابل بطلان و کذب نیست به کار می رود<sup>۱</sup>. حکمت به معنای دانایی، علم، دانش، دانشمندی و عرفان نیز به کار رفته و به شناسایی حق و فرا گرفتن علوم شرعی و علوم طریقت و حقیقت و برهان و غایت هر چیز نیز معنا شده است. ارسطو معتقد است حکمت، اصول و علل اولیه ی اشیاء را مورد بحث قرار می دهد و از این روی معرفت کلی در عالی ترین درجه است. همچنین حکمت دور ترین علم از حواس، انتزاعی ترین و بنابراین مشکل ترین علم است، چون مستلزم بیشترین فکر است. آنچه را حکمت مورد بحث قرار می دهد ۴ چیز است:

۱- جوهر یا ذات شیء

۲- ماده یا موضوع

۳- منشاء حرکت یا علت فاعلی

۴- علت نهایی یا خیر.

«محمی الدین عربی» به نهایت حکمت نظر دارد و معتقد است حکمت، تکامل نفس است از راه شناخت حقایق موجودات همان طور که هستند و نیز حکمت، حکم کردن به وجود آن حقایق است از روی تحقیق و استناد و برهان.

«دکتر سید حسین نصر» سرشت روحانی و استعلایی حکمت را در ارتباط با هنر اسلامی چنین تعریف می کند:

«معماری اسلامی مبنی بر معرفتی است که خود سرشت معنوی و روحانی دارد. معرفتی که استادان سنتی معماری اسلامی آن را حکمت نام نهاده اند؛ لذا حکمت یعنی معرفتی با سرشتی روحانی». حال با عنایت به تعاریف حکمت و دیدگاه متفکران فوق، درمی یابیم که معماری اسلامی منتج از حکمت اسلامی، «قدسی و فرا زمانی» است، در حالی که سایر سبک های معماری متعلق به زمان

با تمام ویژگی های فانی آنها. در نتیجه حکمت اسلامی قدسی در ذات خود به نحوی است که نمی تواند «زمانندی» را تحمل نماید؛ لذا قابلیت تعمیم در کل دوران ها با خصوصیات منحصر به فردشان را داراست.

### نسبت حکمت و معماری اسلامی

از نظر اسلام، هنر الهی و در این جا معماری اسلامی (در قرآن خداوند هنرمند «مصور» است) پیش از هر چیز تجلی «وحدت» الهی در جمال و نظم عالم است. وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می یابد، جمال بانفسه حاوی همه ی این جهات هست و استنتاج وحدت از جمال عالم، عین «حکمت» است؛ بدین جهت تفکر اسلامی میان معماری اسلامی و حکمت ضرورتاً پیوندی می بینید لذا از دیدگاه اسلام هنر و معماری اسلامی اساساً بر حکمت یا علم مبتنی است و علم چیزی جز ودیعه ی صورت بسته و بیان شده ی حکمت نیست<sup>۲</sup>. متفکران هنر دینی، این هنر (معماری اسلامی) را داری سرشتی فوق زمینی و معنوی و روحانی می دانند و در این صورت شاید بتوان گفت حکمت در ذات هر هنر دینی و بالخصوص معماری اسلامی نهفته است.

غلام رضا اعوانی نیز نسبت حکمت و معماری اسلامی را بررسی کرده و برای آن سرشتی الهی قائل است و می گوید معماری اسلامی و حکمت مابین یکدیگر نیستند؛ بلکه معماری اسلامی و عرفان و حکمت دارای اصلی واحد هستند و حتی حکمت یعنی فلسفه به معنای حقیقی و الهی آن. وی معتقد است معمار سنتی می تواند عارف و حکیم باشد، لهذا سعی می کند حقایق را که دیده است عینیت بخشد و در خارج متحقق کند چنانچه شأن یک هنرمند عینیت بخشیدن به طرق گوناگون است. گاهی به صورت معماری با زبان خشت و گل، گاهی با زبان کلمه و شعر مثل اشعار حافظ و مولوی و گاهی با زبان صوت مثل موسیقی. بنابراین طبق مباحث فوق در بیان نسبت حکمت و معماری اسلامی در می یابیم که حکمت هنر اسلامی «افضل العلوم» برای «افضل المعلوم» (معماری اسلامی) است؛ یعنی برترین دانش (با سرشتی عقلی - شهودی و معنوی و الهی) برای شناخت برترین معلوم، هنر معماری اسلامی (با سرشتی الهی و قدسی) است<sup>۳</sup>.



## گفتار ۲: ضرورت تحقق معماری معاصر اسلامی تأثیر سکولاریسم بر احساس و تخیل مسلمانان:

هنگامی که دین سکولاریزه شده با گرایش های نوگرایانه ترکیب می شود، جوی را ایجاد می کند که در آن، تنها چیز مهم، جنبه حقوقی دین است و نه ابعاد هنری آن. در بهترین حالت، لااقل در سطحی معین از «خدا» به عنوان حقیقت یاد شده، اما «حضور» او فراموش می شود. از این رو زیبایی «فرعی» و اتفاقی شده و خصوصیت اسلامی معماری و حتی برنامه ریزی شهری دچار گسیختگی کلی می شود.

نتیجتاً احساس (قریحه) مسلمانانی که تأثیر مخرب غرب را تجربه کرده اند، تحت تأثیر محیط و جو غالب به طور عمیقی تغییر می یابد. در واقع در این قلمرو، حتی آن دسته از مسلمانانی که هنوز در جهان اسلامی سنتی زندگی می کنند از این مسأله رنج می برند که وقتی درباره ی اشکال هنری بیرون از دنیای سنتی خودشان به قضاوت می نشینند، ظاهر می شود. چون با این ذهنیت که در هنر و معماری اسلامی، زیبایی بازتابی از زیبایی الهی پنداشته می شود، به این مقوله می نگرند و این امر را در مغایرت با اشکال هنری بالادست معماری پیرامون خود می یابند.

در بررسی مقوله ی تأثیر سکولاریسم بر تخیل در نگاه سنتی این امر ضروری است که فرم ها و نمادهایی که تعیین کننده ی تخیل مسلمان سنتی هستند بیشتر از قرآن کریم نشأت می گیرند؛ اساساً روح او (مسلمان سنتی) با قواعد پایه و معین کتاب مقدس در هم آمیخته که هستی درونی اش را از نگرش بنیادی روبه رو بودن انسان و مخلوقش (معماری اسلامی) آکنده می کند. در کیهان شناسی اسلامی جهان خیال در سلسله مراتب هستی کیهانی، در یک حوزه ی واسط بین جهان ماده و جهان کاملاً روحانی جای می گیرد. اشکال، اصوات و رنگهایش واقعیتی فرا هستی (خارج از ذهن) دارند و واقعیت هستی شناختی آن به خیال انسان عملکردی والا و ماورای تخیل غیر مقدس (ناسوتی) آن گونه که در دنیای مدرن فهمیده می شود، اعطا می کند. لذا با استحاله ی تخیل مسلمان امروزی کما بیش همان فرایند دین زدایی (سکولاریسم) در تخیل دگرگون او مشاهده می گردد.

در نتیجه برای بازگرداندن احساس و تخیل مقدس به مسلمان مدرن شده ی امروزی، شناخت جوانب منفی تأثیر سکولاریسم بر احساس و تخیل وی، امری ضروری است تا

با اصلاح و دفع اثرات مخرب آن، زمینه برای درک و تجسم سالم و صحیح معماری معاصر اسلامی فراهم شده و ضرورت آن بیش از پیش احساس شود.

### گفتار ۳: تأثیر سکولاریسم بر معماری مسلمانان:

شهر اسلامی سنتی به طور مستقیم وحدت موجود در کائنات که ناشی از اصل توحید است را منعکس می کرد. از آن جا که در اسلام تمایزی بین مقدس و نامقدس در ابنیه شهری وجود ندارد، وحدتی در معماری شهر راه یافته بود که معماری خانه یا حتی قصر و دیگر بناهای شهری را به «معماری مسجد» مرتبط می ساخت. این وحدت فضای داخل خانه ی فرد مسلمان را امتدادی از فضای مسجد قرار می داد، که در واقع این امر از یک نقطه نظر، آئینی و همچنین هنری است. ماهیت فراگیر شریعت که عبادت تا معاملات را در برمی گرفت یک پارچگی همه ی اشکال فعالیت را در قلب شهر اسلامی امکان پذیر می ساخت.

علاوه بر دگرگونی های ایجاد شده در سطوح عقل، خیال و احساس مسلمانان مدرن شده (که در گفتار قبلی مطرح شد)، همچنین فقدان عمومی در وحدت و یک پارچگی زندگی به وجود آمده است که مستقیماً معماری و برنامه ریزی شهری را متأثر می سازد. اسلام برپایه ی وحدت (توحید) بنا شده و وسیله ی حرکتی است به سمت یکپارچگی زندگی انسانی و در حقیقت از کثرت به وحدت.

اما این تغییر فکری سنت به مدرنیته، مفاهیم و واقعیت های اساسی همچون فضا، نور، ریتم، فرم و ماهیت محتوای مقدس آن ها را تغییر داده است. آن ها با داشتن همان نام، به مفاهیم غربی «پسادکارتی» تغییر یافته اند و تنها در یک سطح مادی محدود تجربه می شوند. دیگر نه «فضا» نماد «وجود الهی» و نه «نور» از «خرد الهی» است. «ریتم» معمارانه که با آن، کثرت دوباره به وحدت منتهی می شود نیز فراموش شده است. «فرم» ارزش نمادینش را از دست داده و ماده ی حقیقتاً بی جان و بی جنبش فیزیک نیوتنی، که از مفهوم و تجربه «ماده»- که در کیهان شناسی اسلامی سنتی پذیرفته شده- بسی دور است، و ماده تنها «مصالح» را شامل می شود.

در نتیجه عمده ی محیط های شهری جهان اسلام دچار بحرانی شده اند که به شکلی بسیار مستقیم در زشتی و خشکی آن ها نمود یافته و در تضاد با آرامش و زیبایی شهر اسلامی سنتی قرار گرفته است. معماری در مواجهه با طیفی از سبک های زشت و بی بنیان است که در مطلوب ترین شکل هایش تقلیدی صرف از مدل های خارجی با تظاهر به عام گرایی و قابلیت اجرا در سطح جهانی است.

نتیجتاً خروج از این بحران که همانا سیطره ی سکولاریسم و غرب زدگی به جان و جسم (احساس و معماری) مسلمان امروزی است تنها به وسیله ی سامان بخشیدن به معماری ابنیه در مقیاس خرد و نیز کالبد شهری در مقیاس کلان میسر است، لذا تحقق «معماری معاصر اسلامی» ضرورتی دو چندان می یابد.

## بخش ۲: بررسی امکان حضور معماری معاصر اسلامی

بررسی آراء مختلف از سوی صاحب نظران شرقی و غربی در زمینه معماری معاصر اسلامی، خود می تواند جایگاه این مقوله را در مباحث معماری روز آشکار سازد. پرداختن به زوایای گوناگون این امر نظیر تحلیل آراء منبعث از شرق شناسی و تاریخی گری غربیان در مورد معماری اسلامی و معماری معاصر اسلامی و سپس ارائه ی پاسخ های مناسب به عقاید و نظرات آن ها می تواند شروعی برای مکان یابی و اعلام موجودیت معماری «معاصر» اسلامی در کتب تاریخ هنر- برخلاف نظر صاحب نظران غربی که معماری اسلامی را پایان یافته و معماری معاصر اسلامی را منتفی می دانند- باشد.

### گفتار ۱: نظرات منبعث از شرق شناسی در مورد معماری اسلامی

#### طرح مقوله ی معماری اسلامی در کتب تاریخ هنر:

در سال ۱۹۲۶ و در مقدمه کتاب «هنر در گذر زمان» نوشته ی «هلن گاردنر» مقوله ی معماری اسلامی مطرح، و در سر فصل کتاب در کنار هنر صدر مسیحیت و بیزانس جای گرفت. بعدها تحت عنوان «معماری اسلامی» طی دهه ی ۶۰ و در آغاز دهه ی ۷۰ قرن بیستم میلادی برآمده از نگرش «مشرق شناسانه ی تاریخ نگارانه ی» هنر و معماری، در ادبیات این حوزه پدیدار شد.

اما سیطره ی شرح عنوان «معماری اسلامی» تا آن ایام در اختیار صاحب نظرانی بود که برون از بوم و بستر پیدایش این آثار با موضوع سبک نگاری و روش تاریخی گری به این موضوع پرداخته بودند؛ از طرفی نیز نتایج بررسی معماری نزد قدما آشکار می کند این عنوان (معماری اسلامی) مفهومی برای آنان نداشته است؛ چرا که عالمان و فیلسوفان مسلمان نیازی به نسبت دادن واژه ی «اسلام» به نوشته ها یا مصنوعات خود نداشتند، زیرا آن را بدون ذکر کلمه ی اسلام، آئینه تجلی عامل وجودی هر چیزی در عالم

می دانستند. اما به هر ترتیب، عنوان «معماری اسلامی» در حوزه ی تاریخ نگاری معماری جهان حضور دارد و نمی توان تنها با توسل به نظر قدما اعتبار آن را به دلیل منتج شدن از نگرش شرق شناسی انکار کرد.

### تلقى های مختلف شرق شناسان از معماری اسلامی:

برای بررسی چگونگی حضور و جایگاه معماری اسلامی در حوزه ی تاریخ نگاری، نگاهی دقیق و همه جانبه به کتاب های موجود در باب معماری اسلامی نشان می دهد، می توان منابع را با نگاهی کلی از تاریخ عمومی هنر و معماری جهان، به نگاهی دقیق تر در کتاب های تاریخ معماری جهان، تا نگرشی اختصاصی در تک نگاری های تاریخ معماری اسلامی دسته بندی کرده و با مطالعه و بررسی این منابع و آشنایی با نظرات نگارندگان آنها به تلقی های گوناگون از معماری اسلامی نزدیک شد که به چهار نمونه از این تلقیات مختلف اشاره می شود:

#### ۱- اتلاق معماری اسلامی به معماری پس از صدر مسیحیت:

توالی تاریخی یکی از اصول تاریخ نگاری هنر است و باید رعایت شود؛ اما در فصل بندی غالب کتب تاریخ هنر، «معماری اسلامی» بعد از صدر مسیحیت و بیزانس در یک فصل قرار دارد؛ که این امر بدین معنی است که معماری اسلامی پس از این جنبش پدید آمده است. این تلقی صحیح نیست زیرا با توجه به فاصله ی زمانی ۶۰۰ ساله چنین امری محال است، لذا موقعیت و مکان نمایی مقوله ی معماری اسلامی در کتب تاریخ هنر نیاز به بازبینی دارد.

#### ۲- المان های معماری ملاک اتلاق معماری اسلامی به یک بنا<sup>۱</sup>:

جای بسی تعجب است در حالی که در کتاب «شکل گیری هنر اسلامی» اثر «گرابار» ستون گذاری شیوه ی انعطاف پذیری برای امکان توسعه عنوان شده است و روشن است که این امر «فهم معمار» در برپا کردن مکانی مناسب با استفاده از توانایی های فنی آوری و اجرایی زمان خود بوده است، دوباره در شرح معماری اسلامی، خصوصیات ساختاری مانند «قوس» طرح می شود، آیا واقعاً از دیده نگارنده، جایگاه دین اسلام در زندگی یک مسلمان و جامعه ی اسلامی تعیین ستون یا قوس برای ساختن یک بناست.

#### ۳- اتلاق معماری اسلامی به هر بنای ساخته شده در دوره ی اسلامی:

بنابر نظر تاریخ نگاران پزتیویست، حتی کاخ هایی که خلفای عباسی و اموی ساخته اند نیز «بنای اسلامی» شمرده می شود. اما این امر (کاخ سازی) مغایر با آموزه های رفیع